

## از کوهنوردی برای زندگی می آموزیم ...

۱

در کوهنوردی می آموزیم که قدرت و توانایی یک تیم بستگی دارد به ضعیف ترین فرد، همچون زنجیری که استحکامش وابسته به ضعیف ترین حلقه آن می باشد، پس باید تا جایی که توان داریم ضعف های دیگری را پوشش دهیم، و بر همین اساس است که قوی در خدمت ضعیف قرار می گیرد

در زندگی نیز باید بدانیم فقط تلاش برای تقویت و رشد خودمان کافی نیست و وقتی جامعه سالم و رو به رشدی خواهیم داشت که دست به دست هم داده و سعی در بهبود وضع همگان داشته باشیم، که در غیر اینصورت از همان نقاط ضعف آسیب خواهیم دید.

۲

در کوهنوردی می آموزیم که خطای یک نفر خطای همه هست، زیرا آثار آن به همه گروه و حتی همه جامعه کوهنوردی برمی گردد، پس میکوشیم که خطایی نداشته باشیم و اگر خطایی بوسیله خودمان یا دیگری رخ داد، سعی کنیم به بهترین شکل جبران کنیم و دامنه اثر آن را محدود نماییم.

در زندگی، همه ما کلی در هم تنیده هستیم، که اشتباه هر فردی به کل اجتماع برمی گردد، پس تلاش می کنیم تا از خطاها پیشگیری کنیم و در صورت وقوع آنها را جبران کنیم.

۳

در کوهنوردی ابتدایی ترین مرحله " رسیدن " به قله یا هدف است، مرحله بعدی " چگونه رسیدن " می باشد. بعد از آن " رساندن " دیگران و در نهایت " چگونه رساندن " آنان است.

در زندگی از خود بدر آمدن و در پوسته خود نماندن است که مهم می باشد و " فرآیند " یعنی چگونگی و کیفیت انجام فعالیت، بسیار مهمتر از " فرآورده " و نتیجه می باشد.

در کوهنوردی برای موفقیت، باید ارزیابی صحیحی نسبت به واقعیت های موجود داشته باشیم، ارزیابی صحیح از شرایطی که با آن درگیر هستیم و توان موجود خودمان است که ضامن موفقیت مان می باشد.

در زندگی نیز برای موفقیت و دست یابی به اهداف انسان بیازمند ارزیابی صحیح از مسائل موجود است تا بتواند برنامه ریزی درستی در برخورد با مشکلات داشته باشد.

در کوهنوردی، آنکه کوه را دوست دارد هیچگاه از کوه خسته و دلگیر نمی شود و به عبارتی به جدال با آن بر نمی خیزد، بلکه در اعماق وجود خویش به دنبال نقاط مشترکی برای نزدیکی و قرابت بیشتر با آن می گردد. در کوهستان کوهنورد ممکن است با انواع رنج ها مواجه شود ولی هیچگاه به کوهستان بد و بیراه نمی گوید، برعکس از همه آن چالش ها لذت می برد.

در زندگی نباید با آن به مبارزه برخاست و از مشکلات زندگی نالید و به زمین و زمان نفرین کرد، بلکه باید از چالش های آن در جهت تقویت و ارتقا خود استفاده نمود.

در کوهنوردی ضرب المثلی است که می گوید: " هر گام کوهنورد، هم وزن زندگی اوست ". یا اینکه " لحظه ای که به آن احترام نگذاری تو را می کشد ". با این معنی که در کوهنوردی باید شخص حواسش در هر لحظه به هر گامی که برمی دارد باشد، چه بسا یک گام اشتباه باعث سقوط و به قیمت جاننش تمام شود.

در زندگی هم تصمیم و انتخاب شخص است که ماهیت او را می سازد و شکل می دهد، و مانند گامی است که در کوهنوردی برمی دارد، همواره باید مراقب باشد که انتخابهای درستی داشته باشد و دچار غفلت و خودفراموشی نگردد، که چه بسا یک انتخاب اشتباه مسیر زندگی او و آیندگانش را تغییر دهد.

در کوهنوردی، فراز فردا را از فرود امروز می دانیم.

در زندگی شکست ها و فرود امروز می تواند مقدمه فراز فرداها باشد.

۸

در کوهنوردی هر قدر که بیشتر صعود کرده باشی و بالاتر رفته باشی، باید حواست بیشتر جمع باشد چون سقوط خطرناک تر و دردناکتری خواهی داشت.

در زندگی هم هر قدر که مقام و جایگاه اجتماعی بالاتری داشته باشی نباید تصور کنی که دیگر کار تمام است، بلکه باید بیشتر مراقب باشی که در اثر غفلت سقوط نکنی که مسلما سقوطت دردناک تر خواهد بود.

۹

در کوهنوردی می آموزیم که در طبیعت آنچه سخت است محکوم به شکستن و متلاشی شدن می باشد، ما نیز در برخورد با طبیعت و شرایط کوهستان باید انعطاف داشته باشیم و تا جای ممکن خود را وفق دهیم.

در زندگی در برخورد با شرایط باید انعطاف داشت و نمی توان در همه موارد سرسختی ورزید، خصوصا در روابط اجتماعی. اینست که استراتژی درست در شرایط مختلف ثابت نیست و می تواند انعطاف پذیر باشد.

۱۰

در کوهنوردی بالاترین بلندی ها ابتدای فرود آمدن است.

در زندگی هیچکس همیشه در اوج توانایی و قدرت نمی ماند و باید بداند که روزی زمان فرود آمدن او خواهد رسید، پس نباید مغرور گردد و به دیگران به دیده تحقیر نگاه کند.

۱۱

در کوهنوردی گفته اند: " کسی که کوهستان را مکانی برای بازی کردن بداند، سرانجام بازیچه کوه می شود ".

در زندگی باید بطور جدی برنامه داشت و زندگی بازی نیست، وگرنه چه بسا با از دست رفتن فرصت هایی که به بطالت گذشته، متحمل صدمات جبران ناپذیری گردیم.

۱۲

در کوهنوردی می آموزیم که هر چند همه می خواهند بر قله کوه بایستند، ولی همه شادی ها و پیشرفت ها وقتی رخ می دهند که در حال بالارفتن از آن کوه هستند.

در زندگی همه پیشرفت ها وقتی رخ می دهد که در تلاش برای رسیدن به آرزوها هستیم و وقتی به خود آنها می رسیم، بعد از مدتی کوتاه عادی می شوند و آن لطف پیشین را ندارند.

۱۳

در کوهنوردی برای رسیدن به قله باید انواع ناملایمات را متحمل شوی و بر قله باد سرد و بوران حکمفرماست. در زندگی هیچ چیز با ارزشی به آسانی بدست نمی آید و برای رسیدن به آن باید متحمل سختی شوی. سعادت و خوشبختی در راحتی و آسایش نیست.

۱۴

در کوهنوردی پس از پشت سر گذاشتن سخت ترین شیب ها به نشیب می رسی. در زندگی نباید ناامید شد و از تلاش دست برداشت، چراکه پس از سخت ترین لحظات گشایش حاصل می آید، پس از سختی ها نهراس و امیدت را از دست نده.

۱۵

در کوهنوردی از زندگی معمول فاصله می گیریم و می آموزیم که چگونه از کمترین امکانات بیشترین لذت ببریم و قدر امکانات زندگی عادی را بهتر درک می کنیم.

در زندگی آنانی که دائم در امکانات فراوان غوطه ورنند، و نمی توانند گاهی از آن فاصله بگیرند، از دو جهت ضربه خواهند دید، اول اینکه لذات برایشان عادی شده و آن حظ اولیه را نخواهند داشت، دیگر آنکه بعلت خو کردن با خوشی، کوچکترین ناراحتی آنها را از پا درخواهد آورد.

در کوهنوردی می بینیم که تپه ها خودنمایی می کنند و قله های رفیع در پشت ابرها پنهان هستند و خود را عرضه نمی کنند.

در زندگی انسان هر چه پر ادعا تر تهدیدست تر، آنانی که پربارند سربه زیرتر و از هرگونه ادعایی تهی هستند.

\*\*\*

در حقیقت کوهنوردی کردن، تمرینی است برای زندگی بهتر ...

علیرضا صدری

۶ خرداد ۱۳۹۶